

# غروب آرزو (عمیان)

نویسنده:  
نسرین ثامنی

سرشناسه:

ثامن، نسرین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور:

غروب آرزو: عصبان / نویسنده: نسرین ثامن.

مشخصات نشر:

تهران: پر، ۱۳۷۲.

مشخصات ظاهری:

ص ۵۲۲

شابک:

978-964-5518-12-5

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیا

رده‌بندی کنگره:

۴ غ الف / ۸۰۰۲ PIR

رده‌بندی دیویی:

۸۱۳/۶۲

شماره کتابشناسی ملی:

۷۳۰۷۹۱۳ - ۷۲ م



## غروب آرزو



- نویسنده: نسرین ثامن
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- چاپ دوازدهم: ۱۳۹۴
- تیراژ: ۵۰۰
- قیمت: ۲۲۵۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۸-۱۲-۵ ISBN: 978-964-5518-12-5

- آدرس: خ لبافی‌نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳  
تلفن: ۶۶۴۶۶۳۶۰ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵

این کتاب را به پسرانم،  
به افتخار تابناک زندگیم،  
امیرمسین و امیرفسرو زمانی  
تقدیم می‌دارم

نسرین ثامنی



## مقدمه نویسنده

نویسنده وجدان زمان خویش است  
(چنگیز آتیماتوف)

به عقیده من قلم ابزار است که نگارنده به وسیله آن عقاید و اندیشه‌های نسلی را برای نسل‌های بعد به یادگار می‌گذارد، بنابراین همیشه این وظیفه را پیش روی خود احساس می‌کنم که باید نوشته‌هایم حامل پیام باشد نه فقط رمانی سرگرم‌کننده. هدف نهایی این است که در نوشتارم مشکلات واقعی و ملموس جامعه را بازتاب دهم. خدمت به جامعه و هم‌نوعان، احترام به حقوق فردی و اجتماعی، احساس تعهد و مسئولیت، تقوا و فضیلت مضامین کلی داستان‌هایم را تشکیل می‌دهد. لذا از خواننده می‌خواهم پا را از درون تخیلات رمانتیک و شاعرانه فراتر نهاده و قدم به جهان واقعیات بگذارد. به افق دید خود وسعت بخشیده و از چارچوب احساسات آنی و زودگذر خارج شود. افکار جوانان باید به سمت واقعیات سوق داده شود بدین سبب است که من در آثارم حقایق زندگی را عریان می‌سازم.

افکار و اندیشه‌های آدمی در طی گذران عمر دستخوش دگرگونی‌هایی می‌شود که شاید بشود آن را تجربه نامید. به نظر دشوار می‌آید که آدمی بخواهد در خلال داستان‌ها،

احساس و اندیشه و باورهای ذهنی خود را به خواننده القاء نماید. معمولاً افکار خواننده با تفکر و باورهای نویسنده کمتر تطابق می‌یابد. هر خواننده‌ای پس از مطالعه یک اثر، تجزیه و تحلیل جدای از عقیده نویسنده آن اثر در ذهنش خلجان می‌گیرد و به ندرت اتفاق می‌افتد که خواننده لحن نویسنده را دریافته و به احساس و نگرش وی نسبت به موضوع و پرداخت آن آگاه گردد.

در هر اثری سعی کرده‌ام چهره‌ای از واقعیات زمان خود را ترسیم نمایم. بدیهی است در نوشته‌ای که مخاطبش جوانان باشند پیام تأثیرپذیرتر خواهد بود. انتقال پیام از طریق نوشتار بیشتر در اذهان باقی می‌ماند تا از طریق گفتار.

زمانی که سوژه‌ای در ذهنم رشد کرده و به مرحله تکامل می‌رسد همه اندیشه‌ام بر این است که علاوه بر ارائه داستانی سرگرم‌کننده، پیام و نیت قلبی خود را در قالب داستان ارائه دهم. من چندان با کسانی که به یک نوشته رمان، فقط به عنوان سرگرمی و تفنن می‌نگرند موافق نیستم و همچنین با نگارنده‌ای که تنها انگیزه‌اش داستان‌سرایی صرف باشد.

هیچ‌خوش ندارم با نگارش موضوعات غیرواقعی در تخیلات غرقه شده و از واقعیات زندگی دور بمانم. همواره از تجربیات زندگی در به وجود آوردن و خلق یک اثر مدد می‌گیرم. هم مشاهده می‌کنم و هم تجربه. به هیچ‌وجه عقاید بدبینانه نسبت به قشر خاص یا تیپ به‌خصوصی و حتی نسبت به تقدیر و سرنوشت ندارم. پیروان مکتب نیهیلیسم نیستم و دچار تب و هذیان فکری نیز نشده‌ام اما به این شعار معتقدم (جان در خدمت عقیده، نه عقیده در خدمت جان)

همواره از تلفیق حوادث روزانه و وقایعی که در بطن جامعه در طیفی وسیع و گسترده اتفاق می‌افتد داستان‌های

خود را به وجود می آورم. در جزء جزء وجود قهرمانان خود نقشی از خویشتن می بینم. نوشته هایم فریادی از گلو جسته روح من است. همه کوشش من این است که آثاری پربار و ارزنده دهم. بی تردید نوشته هایم عاری از عیب و نقص نیست اما می دانم که قلب مهربان و ایثارگرت بر معایب این قلم الکن سرپوش می گذارد. اگر زمانی احساس کنم که دیگر هیچ پیامی برای خواننده ندارم و نوشته هایم جنبه سرگرمی به خود گرفته، آن گاه قلم را برای همیشه کنار نهاده و با دنیای هنر خداحافظی می کنم و هنر را به گور سرد فراموشی می سپارم.

عده ای بر این حقیر خرده می گیرند که چرا با دیدی بدبینانه به جامعه می نگرم! نمی دانم چرا این افراد کمتر به پیام اصلی نویسنده توجه نشان می دهند و صرفاً با خواندن یکی دو اثر تراژدی گونه فوراً برچسب منفی گرا، غمگین گرا، و...! به نویسنده می زنند. آنان که در قلمرو این اندیشه تاریک، چنین تصویری در سر می پروراند عمدتاً قضاوت ناصحیحی از روحيات نویسنده دارند.

نویسنده همه تجارب زندگیش را برای خلق آثارش به کار می گیرد. هر نوشته ای از ویژگی های روحی و روانی نویسنده متأثر، و هر نوشته بازتابی از مسایل روحی و روانی اوست. برای قضاوت و داوری در مورد ساختار شخصیتی و فکری نویسنده باید آثارش را به خوبی شناخت و آن ها را به درستی تجزیه و تحلیل نمود. نگارنده اعتقادش بر این است که در نوشته اش احساسات و تجزیه و تحلیل ها را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهد.

در کتاب حاضر ما به جنبه دیگری از مشکلات و مُعضلات جامعه می نگریم. حادثه یا حوادثی که بر قهرمان

داستان می‌گذرد حقایق مسلم و انکارناپذیر است که بخشی از اجتماع ما را، به‌خصوص در روابط زناشویی دربر گرفته است. با بررسی اجمالی بر طبقات مختلف جامعه می‌توان دریافت که اختلافات ناشی از تضاد اخلاقی و نداشتن فرهنگ صحیح زناشویی در بین زوج‌های جوان به هر نحو و به هر شکلی وجود دارد.

در خاتمه به این نکته اشاره می‌کنم که من هرگز نخواسته‌ام هیچ ملاک و معیار مشخصی را در مورد بدی و خوبی ارائه دهم، بلکه در پی یافتن مبانی زندگی جهت رهگشایی جوانان مرز و بوم خویش هستم و قضاوت را به عهده خواننده می‌گذارم.

نسرین ثامنی



## مقدمه ناشر

کتاب، به عنوان یک وسیله ارتباط اجتماعی می‌باشد که با آن انسان از نحوه زندگی هم‌نوعان خود در گذشته و حال اطلاعات لازم را کسب می‌نماید و بدین وسیله برنامه‌های هدف‌مندی را برای ادامه زندگی و آینده خود برنامه‌ریزی می‌نماید. ارتباط ما به‌خصوص از طریق نشریات، سنگ بنای انسانی است و بدون آن فرهنگ به سختی به عنوان خصیصه جامعه انسانی شناخته می‌شود.

این وسیله می‌تواند میراث‌های فرهنگی یک ملت را بدون این‌که دستخوش دگرگونی قرار دهد، حفظ نماید. بسیاری انتشارات را جزء رسانه‌های گروهی و تبلیغاتی به شمار نمی‌آورند، ولی حقیقت این است که امروز انتشارات به عنوان یک رسانه عمومی نقش بسیار مهمی را برای رشد یک فرهنگ پویا ایفاء می‌نماید. کشورهای پیشرفته جهان از این وسیله با برنامه‌ریزی مشخص و مدون استفاده می‌کنند.

نشریات می‌توانند موجب نزدیکی سلیقه‌ها، خواست‌ها و انتظارات ساکنان یک جامعه شود. به معنای دیگر می‌توان گفت نشریات قادرند پیوندهنده قلب‌های افراد یک جامعه باشند.

یک مؤسسه انتشاراتی تنها از طریق نویسندگان اهل فن می‌تواند به مقاصد فوق‌نایل آید. چرا که یک ناشر و نویسنده، لازم و ملزوم یکدیگرند و وجود یکی مستلزم وجود دیگری است.

نویسندگی باید با سبکی سهل و ممتنع صورت پذیرد تا خوانندگان مجذوب آن نگارش شوند. ناشر تنها نباید آثار نویسندگان خارجی را به زبان فارسی ترجمه نمایند بلکه با ترجمه آثار نویسندگان ایرانی به زبان‌های زنده دنیا موجبات توسعه فرهنگ جامعه خویش را فراهم آورد.

«انتشارات پر»

## غروب آرزو

آن‌چنان ازدحام و همه‌پای سالن دادگاه را فراگرفته بود که انسان را به شگفتی وامی‌داشت. افرادی که در بیرون بی‌صبرانه انتظار کشیده بودند اکنون پس از ورود سعی داشتند در ردیف‌های جلو جای مناسبی را در اختیار داشته باشند. من هنگامی که وارد سالن شدم اکثر صندلی‌ها اشغال شده بود.

این جنجالی‌ترین و پرسروصداترین محاکمه سال بود که در تاریخ ایران در نوع خود بی‌نظیر و عجیب می‌نمود. دادگاه جهت محاکمه زنی تشکیل شده بود که به قصد خودکشی، خود و سه فرزندش را به وسیله سم مهلکی مسموم ساخته اما خود به طریق معجزه‌آسایی از مرگ حتمی نجات می‌یابد. عمق فاجعه در این بود که هر سه فرزند این زن در این حادثه دلخراش به وسیله مادر کشته می‌شوند. و اینک که من در دادگاه حضور داشتم آخرین جلسه محاکمات وی به پایان می‌رسید و امروز یا در روزی دیگر حکم نهایی دادگاه صادر می‌گردید.

روزنامه‌ها در اطراف او سروصدای فراوانی به راه انداخته بودند و افکار عمومی در مورد وی متشنج و ناآرام بود. عده‌ای از سر ترحم و دلسوزی در موردش نظر داده و عده‌ای دیگر شدیداً بر او تاخته و خواهان اشد مجازات در موردش بودند.